

سابقه مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع)

یک پژوهشگر ادبی می‌گوید: ادبیات عاشورایی از دوره صفویه اوج گرفت و کماکان این اوج را حفظ کرده، البته باید گفت که عاشورا برای همه شاعران و برای همیشه بستر است.



یک پژوهشگر ادبی می‌گوید: ادبیات عاشورایی از دوره صفویه اوج گرفت و کماکان این اوج را حفظ کرده، البته باید گفت که عاشورا برای همه شاعران و برای همیشه بستر است.

اسماعیل آذر در گفت‌وگو با خبرنگار ادبیات خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، درباره تاثیر واقعه عاشورا بر ادبیات اظهار کرد: اولین شخصیتی که برای ائمه (ع) مدح و شعر گفت شاعر شیعی قرن چهارم هجری قمری کسای می‌روزی بود که از او این چهار بیت به جا مانده است:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر / بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد؟ / جز شیر خداوند جهان، حیدر کرار
این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان / پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار
علم همه عالم به علی داد پیمبر / چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار
او ادامه داد: بعد از کسای، فردوسی شخصیتی است که درباره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) سخن گفته است.

اگر چشم داری به دیگر سرای / به نزد نبی و ولی گیر جای
گرت زین بد آید گناه من است / چنین است و این دین و راه من است
بر این زادم و هم بر این بگذرم / چنان دان که خاک پای حیدرم
بعد از فردوسی، شاعران قرن شش، هفت و هشت آغازین مرثیه‌ها را برای سیدالشهدا (ع) می‌سرایند. آنان عبارتند از سنایی غزنوی، قوامی و رازی. سیف فرقانی نیز شعر بلندی درباره امام حسین (ع) دارد که به مقتل‌ها می‌ماند.

ای قوم درین عزا بگریید / بر کشته کربلا بگریید

فرزند رسول را بکشند / از بهر خدای بگریید

در گریه سخن نکو نیاید / من می‌گویم شما بگریید

این مدرس دانشگاه در ادامه اظهار کرد: جسته و گریخته مرثیه‌هایی وجود دارد. مرثیه‌گویی از سال 352 هجری قمری آغاز شده و این سال با حکومت آل بویه همزمان است. آل بویه شیعی‌مذهب بودند و در زمان آنها شیعه دین رسمی کشور بود. او افزود: در حوزه این حکومت در سال 352 احمد بویه اولین شخصیتی بود که دستور داد در ماه محرم مردم دکان‌هایشان را تعطیل کنند، لباس سیاه بپوشند و عزاداری کنند. این اولین نشانه از عزاداری رسمی در کشور ماست. در واقع آنچه در قرن شش، هفت و هشت شکل می‌گیرد، تحت تأثیر همان تفکر آل بویه است.

آذر همچنین درباره اوج مرثیه‌گویی بیان کرد: نقطه اوج مرثیه به روزگار صفویه بازمی‌گردد. اولین بار محتشم کاشانی، شاه طهماسب و شاهزاده پری‌خاتون را مدح گفت و آن را از کاشان برای شاه فرستاد. زمانی که شاه طهماسب مدح را خواند گفت لازم نیست زبان به مدح من بگشایید، ابتدا مدح خاندان عصمت و اولیای دین را بگویید و صله از آنها انتظار داشته باشید. او افزود: با چنین ادبیاتی شاعران دوره صفویه مدح، قصیده‌سرایی و گفت‌وگو درباره شاهان را کنار گذاشتند و سراغ مرثیه‌سرایی برای پیامبر (ص) و خاندان ایشان رفتند. در نتیجه ترکیب‌بند محتشم توانست در تمام این دوران یکی از تأثیرگذارترین مرثیه‌ها باشد.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین / بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

این صبح تیره باز دمید از کجا کزو / کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

او در تشریح ترکیب‌بند محتشم گفت: می‌بینیم که محتشم در این مرثیه دوازده‌بندی زمین و آسمان را سوگوار این حادثه و نهضت بزرگ می‌داند. بعد از محتشم، افرادی چون سروش اصفهانی، وصال، وقار (پسر وصال)، صباحی بیدگلی، محمودخان ملک‌الشعرا (صبا)، نیر تبریزی و ... به اقتفای مرثیه محتشم کاشانی رفتند. با اینکه مرثیه‌های آنان بسیار حکیمانه، خوب و دوست‌داشتنی است اما باید گفت «آفاق را گردیده‌ام مهر بتان ورزیده‌ام / بسیار خوبان دیده‌ام اما تو چیز دیگری» و در واقع مرثیه محتشم چیز دیگری است.

آذر درباره سایر مرثیه‌های برجسته نیز اظهار کرد: یکی دیگر از مرثیه‌های خوب مرثیه مرحوم ایرج میرزا است که شامل 9 بیت می‌شود. این مرثیه اگر به درستی تفسیر شود یکی از بهترین مرثیه‌های دوره ناصری است.

رسم است هر که داغ جوان دید دوستان / رأفت برند حالت آن داغ‌دیده را

یک دوست زیر بازوی او گیرد از وفا / وان یک ز چهره پاک کند اشک دیده را

آن دیگری بر او بفشاند گلاب قند / تا تقویت شود دل محنت‌کشیده را

یک چند دعوتش به گل و بوستان کنند / تا برکنندش از دل، خار خلیده را

آیا که داد تسلیت خاطر حسین؟ / چون دید نعش اکبر در خون پییده را
این پژوهشگر سپس از حسین مسرور نام برد و اظهار کرد: بعد از آن یک مرثیه یازدهبیتی بسیار باشکوه از مرحوم حسین مسرور داریم. در واقع حسین مسرور غروب عاشورا را به یک بزم الهی تشبیه کرده است. این مرثیه به حدی جذابیت دارد که حد و حصری ندارد.

نکو تر بتاب امشب ای روی ماه / که روشن کنی روی این بزمگاه

بسا شمع رخشنده تابناک / ز باد حوادث فرو مرده پاک

حریفان به یکدیگر آمیخته / صراحی شکسته، قدح ریخته

آذر درباره شعر معاصر با موضوعیت عاشورا نیز بیان کرد: در روزگار معاصر می‌توان از چند تن صحبت به میان آورد. بهترین مرثیه‌سرایان معاصر مرحوم حسن حسینی، مرحوم قیصر امین‌پور و موسوی گرمارودی هستند. از میان دیگر شاعران معاصر نیز می‌توان شاعران خوبی را نام برد که جدا شاهکارهایی در این حوزه دارند که نامشان را به خاطر ندارم اما آثارشان را خوانده‌ام و آنها را قابل تجلیل می‌دانم.

او در ادامه افزود: مدح امامان و شخصیت‌های قدسی از قرن چهارم شروع شد و در روزگار صفویه به اوج رسید و در روزگار جمهوری اسلامی نیز این اوج حفظ شد. به علاوه یک نوع ادبی به ادبیات اضافه شد که آن هم ادبیات پایداری است که تا حدی شبیه همین ادبیات عاشورایی است.

این مدرس دانشگاه درباره تأثیر عاشورا بر ادبیات گفت: تأثیر عاشورا در واژه نمی‌گنجد. عاشورا برای همه شاعران و برای همیشه بستر بوده است. برای این حرف دلایل زیادی دارم که یک مصاحبه کوتاه مجال آن نیست. این نهضت آنقدر بزرگ است که میخ‌های خیمه‌های امام حسین (ع) هم یزیدیان را می‌ترساند. این نشانه حق است که چگونه باطل از حق وحشت دارد زیرا خود را در فنا و نیستی می‌بیند.

اسماعیل آذر بهترین مقاتل را مربوط به اهل بیت امام حسین (ع) دانست و اظهار کرد: گویاترین مقاتل در روزگار خود امام حسین (ع) بوده است که شاهدان عینی گفته‌اند. پس بهترین مقاتل را سیدالساجدین حضرت زین العابدین (ع)، حضرت زینب (س) و حضرت سکینه (س) که خود شاعر و اهل شعر و خوش‌قریحه بوده است، گفته‌اند. اینها در مجالس، تخت نظام یزید را با مقاتل خود به لرزه درآوردند.

او با بیان اینکه شاعران عرب نیز مقاتل خوبی دارند، اظهار کرد: در شاعران عرب کمیت اسدی و دعل خزاعی از شخصیت‌هایی بودند که تمام جور و جفای زمان خود را تحمل کردند اما از خاندان امام حسین (ع) دست برنداشتند. اما این مقاتل نخست که شاهدان عینی گفته‌اند بن‌مایه‌ای برای مقاتل بعدی می‌شود.

مجری برنامه «مشاعره» درباره بهترین مقتل‌ها بیان کرد: به «الذریعه الی تصانیف الشیعه» شیخ آقا بزرگ تهرانی که رجوع کنیم 65 تن از خلاقان مقتل‌نگار را آورده است؛ از جمله شیخ صدوق، خوارزمی، و ... اما به نظر من یکی از بهترین مقتل‌ها، مقتل لهوف ابن طاووس است زیرا ابن طاووس شخصیت دانشمند شیعی است که کتاب تفسیر قرآن سعدالسعود را نوشته است و تسلط خوبی بر مسائل دینی دارد.

آذر در پایان به علاقه‌مندان به این حوزه گفت: من به کسی که می‌خواهد مقتل مطالعه کند، لهوف ابن طاووس ترجمه عقیقی بخشایش را پیشنهاد می‌کنم. سایر مقاتل هم خوب هستند اما در این میان لهوف ارزش ادبی و مفهومی زیادی دارد زیرا ابن طاووس پشتوانه علمی خوبی در این حوزه دارد.